

واکاوی آثار و احکام شهادت از دیدگاه حقوق ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۴

کد مقاله: ۴۰۳۶۷

محمد مهدی کریمی نیا^{۱*}، مرتضی عباسی نسب^۲
مجتبی انصاری مقدم^۳، مرتضی فاضلی^۴

چکیده

شهادت عبارت است از اخبار به وجود حق به نفع یکی و به ضرر دیگری که از سوی شخص ثالث غیر از اصحاب دعوا بیان می‌شود. به موجب ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی کسی که شهادت می‌دهد باید بالغ، عاقل، عادل و مومن باشد و طهارت مولد داشته باشد در نظام حقوق ایران پس از اقرار، شهادت یکی از مهم‌ترین ادله به شمار می‌آید. از جمله جرایمی که با شهادت قابل اثبات‌اند: زنا، لواط، تخییر و مساحقه است علی‌هذا جرایم موجب حد و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است. در این تحقیق سعی بر آن شده به بررسی همه‌جانبه شهادت شهود در امور کیفری و مدنی پرداخته شود و همچنین احکام و آثار شهادت در حقوق ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم. هدف از این تحقیق این است تا بدانیم شهادت شهود در چه جرایمی قابل اثبات است و اطلاعات این تحقیق با روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و بیشتر از منابع فقهی و حقوقی استفاده شده است. با بررسی شهادت شهود در امور مدنی درمی‌یابیم که دعاوی اصل اطلاق، اصل نکاح، اجاره و... با شهادت قابل اثبات هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: متن چکیده، متن چکیده، متن چکیده.

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، (نویسنده مسؤول) kariminiya2003@yahoo.com

۲. طلبه حوزه علمیه و فارغ التحصیل سطح دو حقوق و قضا از مجتمع فقه، حقوق و قضای اسلامی

۳. دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر مطالعات اسلامی و مدرس دانشگاه

۴. دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

۱- مقدمه

شهادت یکی از قدیمی‌ترین روش‌های اثبات دعای جزایی است. در دوران گذشته شاید هیچ دلیلی به اندازه شهادت برای اثبات جرایم کاربرد نداشته است. امروزه شهادت ارزش و اعتبار سابق خود را از دست داده است و یک دلیل نسبی به شمار می‌آید و در حقیقت نوعی اماره محسوب می‌شود. (آخوندی، ۱۳۸۲، ج ۶، ص ۱۴۱). شهادت مطابق ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی بعد از اقرار و اسناد کتبی به‌عنوان دلیل سوم اثبات دعوی قلمداد شده و در اهمیت جایگاه آن همین بس که سنگین‌ترین جرایم و بزرگترین قراردادهای با شهادت شهود قابلیت اثبات دارند ضمن اینکه موازین شرعی برای ادای شهادت مکلفین واجد مقررات ویژه‌ای است. (قانون مدنی، مصوب ۱۳۹۲). بنابراین شهود یکی از ارکان موفقیت در تحقیقات قضایی به شمار می‌رود، زیرا در بسیاری موارد کشف حقیقت و صدور حکم عادلانه، بدون معاضدت کسانی که خود رد صحنه ی وقوع جرم حضور داشته و چگونگی ارتکاب آن را ملاحظه کرده و یا مطلبی را شنیده اند، میسر نمی‌باشد؛ به همین دلیل از شهود به چشم و گوش دستگاه عدالت کیفری تعبیر شده است. (آشوری، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۱۳). استفاده از دو شاهد مورد اعتماد، در موارد قضاوت و فصل خصومت، یکی از سیره‌های قطعی عقلانی می‌باشد. نقطه مشابه تمامی این موارد، اثبات واقعیت و یا به تعبیری ایجاد زمینه برای حکم در مورد یک واقعیت می‌باشد؛ حال چه واقعیت خارجی باشد مثل زنده بودن تا مالک چیزی شود و چه واقعیت اعتباری باشد مانند ملکیت یک فرد نسبت به چیزی، شهادت در دو جایگاه کلی، در شرع مقدس اسلام مورد توجه است: یکی در موارد اثبات موضوع که واسطه‌ای برای ثبوت احکام است و دیگری در موارد اثبات حکم (وضع‌ی یا تکلیفی). (کازمی گلوردی، علیزاد، ۱۳۹۲، ص ۱۰۶). در شریعت اسلامی اثبات بعضی موضوعات (یا احکام)، دارای ضرورت است؛ زیرا این گروه از موضوعات (یا احکام) نسبت به دیگر موضوعات (و احکام) دارای التزام عملی یا قلبی است و جهت اثبات آنها از نظر عقلی و شرعی، طرق معتبری قرار داده شده است. اعتبار طرق اثبات، وابسته به آن است که به یک طرق معتبر ذاتی، یعنی علم (و یقین) بیانجامد؛ یعنی هر یک از آن طرق یا خودش علم (و یقین) باشد و یا اعتبار آن با علم و یقین ثابت شود که در صورت اول «علم» و در صورت دوم «علمی» گویند. یکی از طرق که دارای اعتبار مذکور است، شهادت است که اگرچه غالباً علم و یقین آور نیست، ولی اعتبار آن، قطعی می‌باشد. (همان، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷). درباره این مساله کتاب‌ها و مقالات و پایان نامه‌هایی وجود دارد که مستقلاً به آن پرداخته‌اند از جمله: کتاب‌هایی مانند ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی، عبدالرسول دینانی و اثبات و دلیل اثبات، امیر ناصر کاتوزیان. و مقالاتی مانند: اقرار و شهادت و آثار رجوع از اقرار و شهادت از نظر فقه شیعه و حقوق ایران، کوثر رنجبریان، ادای شهادت در فقه و حقوق، سید احمد سجادی نژاد، بررسی آیین استماع شهادت، محمدرضا کاظمی گلوردی، جواد محمد علیزاده، جلب شاهد از منظر حقوق ایران، مهدی غلامپور، دکتر عباس تدین و پایان نامه‌هایی مانند: رجوع از اقرار و شهادت و آثار آن در حقوق ایران، امیر جلیلی، مبانی حمایت از شهود و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، زینب باقری نژاد. وجه امتیاز این پژوهش در این است که با توجه به مساله شهادت، آثار و احکام شهادت یکجا بحث شده است و همه مباحث آن در حقوق بررسی شده است در صورتی که در جاهای دیگر همه مباحث و مسائل شهادت به طور پراکنده و جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲- مفاهیم

۱-۲- حد

حد به معنای حایل میان دو چیز، انتها، تیزی، اندازه و کيفر و مجازات شرعی. (معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۴۲) حد به معنای مقدار و اندازه، تمیز دادن چیزی از چیزی، برای زمینی حد و مرز قرار دادن. (عمید، ۱۳۴۶، ج ۱، ص ۸۲۰). حد از نظر اصطلاح به آن عقوبتی می‌گویند که برای آن در کتاب و سنت معین شده است. در اصطلاح فقهی مراد از حدود در این بحث، برخی مجازات‌های بدنی با اندازه‌های مشخص است که از جانب شرع برای جرایمی خاص تعیین شده است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۷). به تعبیر قانون مجازات اسلامی ایران، حد به مجازاتی گفته می‌شود که نوع، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده باشد. برای کاربرد واژه حدود در این معنای اصطلاحی وجوه‌گوناگونی ذکر شده است، از جمله آن که این کیفرها مجرمان را از تکرار جرم باز می‌دارند یا موجب تادیب آن‌ها می‌شوند یا وقوع جرائم را محدود می‌کنند یا از آن رو است که در شرع اندازه آن در موارد مختلف مشخص شده است. قوانین کشورمان براساس دین اسلام پایه ریزی شده است و قانون در مورد حد هم به صورت کامل و مبسوط براساس دستورات شرع اسلام تعیین و تکلیف کرده است. (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)

۲-۲- شهادت

شهادت لغتی است «تازی» که معادل فارسی آن گواه است. در لغت عربی از ریشه شهد و از شهود به معنای حضور و شهادت به معنای خبر قاطع است. شهادت در لغت از فعل ثلاثی مجرد شهد، يشهد، شهودا، شهاده گرفته شده است، و به معنی گواهی دادن، حضور و عدم غیبت است. (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۵۶۳). شهادت به معنی گواهی دادن، کشته شدن در راه خدا، کلمه

اشهد ان لا اله الا الله می باشد. (معین، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۲۰). اما شهادت در فقه به معنای خبر دادن قطعی از حقی کسی است. فقهای شیعه شهادت را تکلیف می دانند و ادای شهادت را واجب کفای می دانند. به موجب ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱: «شهادت عبارت از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوی به وقوع یا عدم وقوع جرم توسط متهم یا هر امر دیگری نزد مقام قضایی است.» همچنین مطابق ماده ۱۵۷ قانون فوق الذکر، شهادت شرعی آن است که شارع آن را معتبر و دارای حجیت دانسته است اعم از آن که مفید علم باشد یا نباشد. البته براساس ماده ۱۷۶ قانون مجازات اسلامی: «در صورتی که شاهد واجد شرایط شرعی نباشد، اظهارات او استماع می شود. تشخیص میزان تاثیر و ارزش این اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است.» (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)

۲-۳- اقرار

در لغت معانی متعددی برای اقرار بیان شده است. به عنوان نمونه در لغت نامه دهخدا اقرار یعنی بر خود ثابت کردن چیزی را، خود ثابت شدن، اعتراف کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۲۸۸). اقرار به معنی بروز دادن، مقرر آمدن، آشکار گفتن و برپا داشتن می باشد. (معین، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۹). اقرار در اصطلاح فقهی به معنای اخبار قطعی به وجود حقی به زبان خود یا ثبوت حقی برای دیگران آمده است. اقرا در حقوق در قانون مدنی اسلامی ایران چنین آمده است: «اقرار عبارت از اخبار به حقی است که برای غیر بر ضرر خود است.» (قانون مدنی، مصوب ۱۳۶۳)

۳- احکام شهادت در حقوق ایران

۳-۱- آیین استماع شهادت

در این مبحث لزوم ادای شهادت در دادگاه، احضار شهود، تحقیق جداگانه از شهود، جرح و تعدیل شهود، سوگند دادن شهود و همچنین ارزیابی مفاد شهود مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۱-۱- لزوم ادای شهادت در دادگاه

از ظاهر نظرات فقها در مسئله قضا متوجه می شویم، چنانچه مدعی دلیل یا برهان اثباتی ادعای خود را شاهد معرفی کرده باید در محکمه آن را حاضر نماید. این گونه عبارات دلالت دارد بر آن دارد که الزاماً شهادت شهود در جلسه دادگاه صورت می گیرد. یعنی شهادتی که در خارج از جلسه دادگاه واقع شود اعتباری نخواهد داشت، به تعبیری دیگر در حکم حاکم لحاظ نمی گردد. بدین رو اگر شهادت شهود به عنوان مستند حکم حاکم قرار می گیرد آن باید در مجلس خصومت در برابر مدعی علیه و حاکم باشد. (مغنیه، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۱۳۷). بند ۶ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی گویای این است خواهان باید نام، مشخصات و محل اقامت شاهدان را به طور درست و صحیح در دادخواست لازم ذکر نماید این تکلیف برای آگاه ساختن از شخصیت شاهدان و مفاد اجمالی شهادت است تا او بتواند آماده جرح شاهدان و دفاع از دلیل شهادت شود. در وهله و مرحله بعدی، اگر دادگاه شهادت را موثر در دعوا بداند قرار تحقیق از گواهان را صادر می نماید. در این صورت، خواهان باید شاهدان خود را در جلسه ای که برای استماع شهادت تعیین می شود حاضر و معرفی نماید. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۴). مواد ۲۳۲ تا ۲۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی، دلالت بر حضور شاهد در دادگاه دارد. اما قانون اشعار دارد به این که حتی در صورت معذور بودن شهود اصل در دادگاه، گواهی در منزل یا محل کار او یا در محل دعوی توسط یک یا قضات استماع می گردد. فرجام نظر قانون گذار به حضور در دادگاه است و علت شرط استماع گواهی توسط قاضی، به وجود آمدن قناعت وجدان است و اگر این علت تامین شود، استماع شهادت توسط قاضی موضوعیت نخواهد داشت (بهرامی، ۱۳۸۷، صص ۱۲۲-۱۲۵).

۳-۱-۲- احضار شهود

وجوب ادای گواهی و شهادت مربوط به موردی می باشد که گواه برای ادای گواهی به دادگاه دعوت می گردد در غیر این صورت گواه در ادای آن مختار خواهد بود. پس بدون تردید، نقش گواه در کشف حقیقت در بعضی از دعاوی، بسیار مورد اهمیت خواهد بود و در این گونه موارد، قاضی خود را نیازمند تحقیقات از گواه می بیند و به این نتیجه می رسد که باید از گواه درخواست نماید تا در دادگاه برای ادای گواهی حضور یابد که به این فرایند، احضار گاه اطلاق می شود. (آخوندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۱۲۰). در قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه های عمومی و انقلاب علامتی از اختیاری بودن گواهی در امور مدنی دیده می شود؛ مثلاً اختیار دادگاه در جلب شهادی که دو مرتبه احضار شده و دعوت دادگاه را اجابت نکرده است، از قانون آیین دادرسی مدنی حذف شده و استناد کنندگان به استفاده از شهادت بر گواهی هدایت شده است. ولی از طرفی، واژه احضار رنگی از اجبار دارد و ضمانت اجرای

مرسوم آن نیز جلب احضار شده است. بدین رو، به کاربردن این واژه در مورد دعوت گواه یا گواهان، نشانی از تکلیف به اجابت آن را به همراه می‌آورد و با رویه قضایی است که از این علامات یا نشانه‌ها را عادلانه و منصفانه انتخاب کند. منتها آزادی و اختیار در ادای شهادت مطابق اصل است و تکلیف نیاز به دلیل دارد. پس به هنگام تردید باید به اباحه و اختیار متمایل شد. اما واقعیت آن است که در عصر کنونی ادای شهادت جایگاه و به نوعی تکلیف اجتماعی به خود گرفته است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۸۶)

۳-۱-۳- تحقیق جداگانه از شهود

وقتی قاضی دادگاه نسبت به شهود تردیدی داشته باشد، وی می‌تواند به اقدامات جستجویی دست یازد. مانند آن که میان آنان تفرقه افکند و هرکدام را به تنهایی مورد سوال و جواب قرار دهد و از مشخصات زمانی و مکانی واقعه پرسد و وقتی در گفته‌های آنان ناهماهنگی احساس کرد شهادت آنان را نپذیرد. البته توصیه شده که وقتی شاهدان از افراد خردمند باشند قضات از ایجاد مشقت برای آنان اجتناب نمایند و هیچگاه به قضات اجازه داده نشده است که با ابداع احتمالات شاهدان را به تردید وادارند و برعکس وقتی خودشان مردد باشند؛ آنان را به ادای شهادت ترغیب نمایند. ماده ۱۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری: قاضی از هر یک از گواهان و مطلعین، جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌نماید و اظهارات آنها را نوشته، به امضا یا اثر انگشت آنان خواهد رسانید. تحقیق و بررسی مجدد و مواجهه آنان در صورت ضرورت، بلامانع خواهد بود. (قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲)

۳-۱-۴- جرح و تعدیل شهود

شهادت، وسیله اثبات است و موضوع شهادت گاهی همان موضوع دعواست و گاهی شرایط شاهد، موضوع شهادت می‌باشد که اصطلاحاً جرح و تعدیل نامیده می‌شود. جرح گواه اصطلاح حقوق اسلام می‌باشد و آن از اعتبار انداختن شهادت است به وسیله اثبات وضعیتی در شاهد که او را متهم به گواهی بر خلاف واقع می‌نماید. با این بیان معلوم می‌گردد، اگر عدالت شهود بر قاضی احراز نگردد، از مدعی می‌خواهد که شهود را تزکیه کند و سپس از مدعی علیه می‌خواهد در صورت وجود جرح، شهود جرح را حاضر نماید چه بسا استرکا در صورت جهل قاضی واجب باشد. (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۳۲۸). جرح و تعدیل تنها با دو گواه مرد عادل ثابت می‌شود و در صورت اختلاف گواهان در جرح و تعدیل، گواهان جرح مقدم است. در دو ماده ۱۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری و ۲۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی به ترتیب به تعریف جرح و به اثر رعایت موعد جرح و تکلیف دادگاه اشاره شده است. با این توضیح که به دستور ماده ۴۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی جرح گواه چنان که از ماده مزبور استنباط می‌شود از حقوق کسی است که گواه به زبان او شهادت می‌دهد، زیرا او است که می‌تواند تشخیص دهد که امور سه گانه بالا گواه از راه بیان حقیقت منحرف نموده و گواه را به دروغ گفتن وادار ساخته است یا آن که آن امور در گواه بی‌تاثیر است و حقیقت را می‌گوید. بدین رو وقتی او از حق خود استفاده ننماید، دادگاه نمی‌تواند گواه را جرح کند و شهادت او را نپذیرد این است که به دستور ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی: در صورتی که علت جرح مورد تصدیق شاهد یا کسی که به نفع او شهادت داده می‌شود، واقع گردد یا بر دادگاه معلوم شود، شاهد ملزم به شهادت نخواهد شد و هرگاه برای اظهار اطلاع حاضر گردد بدون احتیاج به سوگند و قسمی فقط برای مزید اطلاع اظهارات او استماع می‌شود. (قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲)

۳-۱-۵- سوگند دادن شهود

گواه اعم از این که در دادرسی مدنی گواهی بدهد یا در دادرسی کیفری باید قبل از ادای گواهی، سوگند یاد کند و ضمانت اجرای عدم اتیان سوگند، عدم امکان استناد به عنوان دلیل است و لزوم اتیان سوگند قبل از ادای گواهی، یک قاعده آمره است و نیازی به درخواست طرفین دعاوی ندارد. (زراعت، ۱۳۸۵، ص ۳۵۲). به این صورت که به دستور ماده ۴۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی باید سوگند یاد کند که تمام حقیقت را خواهد گفت و چیزی مگر حقیقت را نخواهد گفت، ولی عملاً در دادگاه‌ها شاهدان به عبارت «سوگند یاد می‌کنم که تمام حقیقت را بگویم و چیزی غیر حقیقت نگویم» اکتفا می‌نمایند و نام خدای سبحان را از نظر احترام به زبان نمی‌آورند. (قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۹۲). حتی برخی سوگند دادن گواه را حکم استحسانی گزاف می‌دانند و معتقدند گواه به هیچ وجه سوگند یاد نمی‌کند. یا این توضیح که یا گواه عادل است بنابراین عدالت او کافی است بر این که او را از دروغگویی محفوظ داشته و یا گواه فاسق است که در این صورت همان طور که از دروغ گفتن ابایی ندارد از سوگند خوردن نیز ابایی نداشته و به راحتی سوگند می‌خورد. یا گواه مجهول الحال است در این صورت گواهی او پذیرفتنی نیست.

۳-۱-۶- ارزیابی مفاد شهود

پس از آن که گواهان گواهی دادند حاکم به ارزیابی مفاد گواهی می‌پردازد با این تفاوت که ارزش اثباتی گواهی در اثبات مدنی و کیفری یکسان نیست و قاضی مدنی بیش تر به شرایط گواه می‌نگرد تا در صورت احراز شرایطی همچون بلوغ، عقل،

عدالت، عدم نفع شخصی و غیره گواهی گواه را دلیلی برای فصل خصومت قرار دهد. اما قاضی کیفری بیشتر به مفاد گواهی می نگرد تا در حصول اطمینان و قناعت وجدان، گواهی گواه را اماره ای برای احراز واقعیت بداند. (زراعت، ۱۳۸۸، ص ۲۰۸). حاکم به مجرد استماع گواهی گواهان می تواند معلوم کند که گواهی یا دعوی مطابقت دارد یا مطابقت ندارد، گواهی ابزاری جهت اثبات ادا شده یا نفی ادا شده و این که گواهی تبرعی ارائه شده یا غیر تبرعی. از سوی دیگر، بعد از ادای گواهی حاکم به بررسی مصدر گواهی می پردازد. به عنوان نمونه ارزیابی می کند که گواه نسبت به مشهود به علم دارد یا ندارد. برخی ارزیابی گواهی گواه را این گونه نوشتند که بعد از آنکه هر یک از گواهان آنچه را که دیدند بر روی ورقه می نویسند، اگر آنچه که نوشتند با مفاد گواهی و دعوی یکی بود قاضی حکم می دهد، و اگر اختلاف داشت گواهی باطل می گردد. حاکم پس از بررسی طبق گواهی گواهان حکم می دهد. اگر گواهان صادق بودند حکم باطنا و ظاهرا صحیح است و اگر هر دو کاذب بودند حکم ظاهرا صحیح، لکن در باطن باطل است. (مغنیه، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۱۰۸)

۲-۲- تعارض شهادت با سایر ادله در امور مدنی

در این مبحث به بررسی تعارض شهادت با اقرار، اماره قضایی، اسناد رسمی و تعارض شهادت شهود طرفین دعوا پرداخته می شود.

۳-۲-۱- تعارض شهادت با اقرار

در ابتدای امر به نظر می رسد که اقرار از تمامی براهین موثرتر است و هر گونه تاملی را رفع می کند و قاضی محکمه در هر حال مکلف به صدور رای طبق مفاد اقرار است. لکن با دقت در شرایط اقرار و ماهیت آن مشخص می شود که برهان نامبرده دارای اعتبار مطلق نبوده و همانند براهین دیگر قابل خدشه است. چون همانطور که در تشریح عناصر اقرار نامبرده افتاد اقرار از جنس اخبار است و مانند هر خبر همواره احتمال صدق و کذب بودن آن وجود دارد به این لحاظ است که طبق ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی کذب بودن مفاد اقرار قابل اثبات شناخته شده است. (رنجریان، ۱۳۹۵، ص ۸) در خصوص تضاد اقرار با گواهی باید گفت: عملا تضادی بین این دو وجود ندارد زیرا اقرار و گواهی همواره در طول یکدیگر بوده و هیچ گاه هم زمان با هم مورد عمل واقع نمی شوند و در هر صورت امکان معارضه آنان متصور نمی باشد. چرا که پس از اقرار مقرر، چنانچه دادگاه اقرار را مطابق با شرایط قانونی تشخیص و مورد تایید قرار دهد به موجب ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی به سراغ براهین دیگر از جمله گواهی گاهان نمی رود. (قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۹۲)

۳-۲-۲- تعارض شهادت و اماره قضایی

براساس ماده ۱۳۲۱ قانون مدنی اماره عبارت است از اوضاع و احوالی که به حکم قانون یا در نظر قاضی دلیل بر امری باشد به عبارت دیگر اماره امر معلوم و خارجی است که دادرس با توجه به آن متوجه امر مجهولی شده و با استفاده از آن امر معلوم، حکم به وجود مجهول می دهد. با عنایت به تعریف فوق الذکر اماره قضایی اوضاع و احوالی است که از نظر قاضی دلیل بر امری شناخته شود. عده ای از نویسندگان حقوقی اعتقاد دارند که اماره قضایی مبتنی بر ظن و گمان و احتمال است و قاضی در اماره قضایی مقصد به صحت و حقانیت نمی یابد. (ناصری، ۱۳۴۴، ص ۲۹۱). در صورت تعارض فیما بین شهادت و اماره قضایی باید گفت که اماره قضایی مقدم است زیرا: اولاً طبق ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی تشخیص درجه و ارزش گواهی به نظر دادگاه می باشد و قانون گذار دست قاضی را در این خصوص کاملاً باز گذارده است تا به هر نحو که صلاح می داند عمل نماید. (قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۹۲)

۳-۲-۳- تعارض شهادت و اسناد رسمی

به موجب ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی تعریف سند چنین است: سند عبارت است از هر نوع نوشته که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. استفاده از سند به عنوان دلیل سابقه طولانی داشته و در ایران به صورت مختلف سند مبنای معاملات و دلیل محاکمات بوده و راه تکامل را تا به امروز طی نموده است. مثلاً در دوران صفویه دیوانی جهت تنظیم اسناد و ثبت معاملات به وجود آمده بود و اثبات ازدواج و طلاق و معاملات را عهده دار بود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۲۹). بدین ترتیب کلیه موادی که در قانون مدنی، حکم تعارض سند رسمی و معتبر با شهادت را مشخص می نمود، دست خوش تغییراتی غیر معقول و غیر منطقی شد و باعث سردرگمی حقوق دانان و قضات دادگستری در این موضوع مهم و مبتلا به گردید. در هر حال در خصوص تعارض شهادت شهود با اسناد رسمی یا سندی که اعتبار آن در نزد محکمه احراز شده بنا به مراتب مذکور، ممکن است قاضی شهادت شهود را در موردی

کاملاً مطابق با شرایط مقرر شرعی و قانونی و همچنین منطبق با اوضاع و احوال بیاید و به استناد آن ادعای مخالف با اسناد رسمی را بپذیرد در اینجا شهادت جایگاه خود را باز می‌یابد و دارای اعتبار است و در موردی دیگر به دلیل احراز عدم اصالت شهود و همچنین عدم انطباق موادی شهادت با اوضاع و احوال و شرایط پرونده، شهادت شهود مبنی بر اثبات خلاف مندرجات و مفاد سند رسمی را نپذیرفته و به ادامه اعتبار سند رسمی اظهار نظر نماید. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۳، ص ۸۵)

۳-۲-۴- تعارض شهادتات شهود طرفین دعوا

با عنایت به اینکه استناد به شهادت شهود از سوی متداعیین به طور همزمان ممکن است و طرفین دعوی می‌توانند جهت اثبات ادعای خود به شهادت تمسک نمایند به این لحاظ امکان تعارض بین موادی شهادت شهود طرفین دعوی بسیار محتمل است به عنوان مثال چنانچه موجر برای تخلیه مورد اجاره که به موجب سند اجاره عین مستاجر به عنوان محل سکونت به مستاجر واگذار شده است به موجب مواد ۱ و ۱۵ قانون روابط مالک و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۲ و ماده ۴۹۴ قانون مدنی استناد نموده و مستاجر نیز به صورت دعوی متقابل به شرط صوری سکونت در سند اجاره مدعی گردد، که اصولاً محل مورد اجاره از ابتدا به او به عنوان غیر مسکونی به صورت صوری نبوده و فقط برای استفاده مسکونی محل را اجاره داده است در این صورت دادگاه مواجه با شهادت متعارض دو دسته شهود خواهد بود که موادی شهادت هر دسته کاملاً مخالف با موادی شهادت دسته مقابل است. به نظر می‌رسد در صورت بروز چنین وضعیتی علی‌رغم ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی که تشخیص ارزش شهادت را به محکمه واگذار کرده است قاضی مکلف به ترجیح بلامرجح شهادت شهود علی‌رغم ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی که تشخیص ارزش شهادت را به محکمه واگذار کرده است یا یک طرف بر شهادت طرف مقابل نبوده و موظف است با در نظر گرفتن ضوابط و ملاک های منطقی و عقلی از قاعده ترتیب استفاده نماید و اهم را بر مهم ترجیح داده و آن را مقدم بدارد. (سنگلجی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۸)

۴- آثار شهادت در حقوق

۴-۱- آثار رجوع از اقرار

در صورتی که موضوع اقرار از آن دسته حقوق الهی باشد که با شبهه ساقط می‌شود. طبق قاعده ای شبهه ای که با رجوع از اقرار حاصل می‌شود باید حد را ساقط بکند و حکم را باطل سازد، مثل رجوع از اقرار به زنا، سرقت و شرب خمر. در صورتی که مقرر به وسیله هر گونه دلیلی ثابت نماید که اقرار او فاسد یا مبتنی بر اشتباه یا غلط بوده است. چنان که ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی ایران مقرر کرده است: انکار بعد از اقرار مسموع نیست، لیکن اگر مقرر ادعا کند که اقرار او فاسد یا مبنی بر اشتباه یا غلط بوده شنیده می‌شود (قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۶۱).

۴-۲- آثار رجوع از شهادت

شاهد پس از ادا شهادت، مواجه با آثار و تبعات خواسته و ناخواسته ای است. زیرا شهادت شاهد غالباً از سه حالت خارج نیست: یا شهادت صحیح و مطابق با واقع ادا شده است، که در این صورت طبق شهادت حکم صادر می‌شود. یا اینکه برای قاضی ثابت می‌شود که او در موضوع شهادت به دروغ متوسل شده است که به آن شهادت زور گفته می‌شود؛ و یا شاهد خود اقرار می‌نماید که در مورد شهادت خلاف واقع اظهار نموده است اصطلاحاً از شهادتش رجوع می‌نماید. اما در فرضی که شهادت کذب ثابت شود شاهد باید به حسب مورد از نظر کیفری و مدنی بها سنگینی بپردازد. برای شهادت کذب، در فقه و حقوق حبس یا جزای نقدی حتی در بعضی از موارد قصاص، مقرر گردیده است. (سجادی نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۸). رجوع از شهادت در سه صورت متصور بوده که یا قبل از صدور حکم است یا بعد از صدور و اجرای حکم و یا بین صدور تا اجرای حکم می‌باشد.

۵- نتیجه گیری

۱. در قوانین مدنی تعریفی از شهادت بیان نگردیده است. بالواقع شهادت در اصطلاح حقوقی به معنای، اخبار از واقعه ای است به سود یکی از دو طرف و زبان دیگری، که از سوی شخص ثالث غیر از اصحاب دعوا بیان شود، کسی که شهادت می‌دهد باید بالغ، عاقل، عادل و مومن باشد و همچنین طهارت مولد داشته باشد و شهادت افراد متکدی پذیرفته نمی‌شود چرا که متکدیان به علت امکان تطمیع در مظان اتهام قرار دارند.
۲. در نظام حقوقی ایران پس از اقرار، شهادت یکی از مهم‌ترین ادله به شمار می‌آید. شهادت مانند اقرار باید اعلام شود مادامی که شخص سخن نگفته باشد نمی‌تواند تصدیقی را به او نسبت داد. به موجب ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی و نیز ماده ۱۷۷ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ایمان یکی از شرایط گواه است که براساس آن، گواهی مومن و در کلیه دعاوی، چه له یا علیه مومن یا غیر مومن و نیز چه له یا علیه ایرانی یا خارجی پذیرفته است.

۳. در حقوق ایران شهادت بر شهادت به عنوان یکی از مصادیق شهادت فرعی پذیرفته شده است مطابق قانون مدنی این شهادت تنها در صورتی پذیرفته شده است که شاهد فوت کرده و یا به دلیل وجود مانع دیگری قادر به حضور در دادگاه در جهت ادای شهادت نباشد. جرایم موجب حد و تعزیر با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود لکن قصاص، دیه و ضمان مالی با آن قابل اثبات است. در صورت رجوع شاهد از شهادت، به شهادت او ترتیب اثر داده نمی‌شود.

۴. در صورتی که شاهد واجد شرایط شرعی نباشد، اظهارات در علم قاضی در حدود اماره قضایی با دادگاه است. در شهادت شرعی، در صورت تعدد شهود، به وحدت موضوع شهادت ضروری است و باید مفاد شهادت ها در خصوصیات موثر در اثبات جرم یکسان باشد. شهادت شرعی در دادگاه و نزد مقامات رسمی جرم محسوب می‌شود.

۵. در امور مدنی برخی از دعاوی مانند اصل طلاق، اصل نکاح، غصب وکالت، وقف، اجاره، ولادت و غیره با شهادت ثابت می‌شود. در امور کیفری جرایمی مانند لواط، زنا، مساحقه، حد جلد، تراشیدن و غیره با شهادت اثبات می‌شود.

منابع

- ۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۲.
- ۲- آشوری، محمد آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۸.
- ۳- بهرامی، بهرام، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، موسسه فرهنگی نگاه بینه، تهران، ۱۳۸۷.
- ۴- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء الکلام، چاپ اول، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ قمری.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دایره المعارف اسلامی و قضایی، جلد ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵.
- ۶- _____، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳.
- ۷- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران با همکاری انتشارات روزنه، ۱۳۷۳.
- ۸- رنجبریان، کوثر، «اقرار و شهادت و آثار رجوع از اقرار و شهادت از نظر فقه شیعه و حقوق ایران»، سومین همایش ملی حقوق با رویکرد اصلاح و توسعه نظام حقوقی، ۱۳۹۵.
- ۹- زراعت، عباس، ادله اثبات دعوا، چاپ اول، نشر قانون مدار، ۱۳۸۸.
- ۱۰- _____، قواعد فقه مدنی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.
- ۱۱- سجادی نژاد، سید احمد، «ادای شهادت در فقه و حقوق»، آموزه های فقه مدنی، شماره ۶، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱.
- ۱۲- سنگلجی، محمد، قضا در اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- ۱۳- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۴۶.
- ۱۴- عمید زنجانی، عباسعلی، آیات الاحکام حقوقی و کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۵.
- ۱۶- کاظمی گلوردی، محمد رضا، محمد علیزاده، جواد، «بررسی آیین استماع شهادت»، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلام، سال نهم، شماره ۳۲، ۱۳۹۲.
- ۱۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸.
- ۱۸- مغنیه، محمد جواد، فقه الامام جعفر الصادق (ع)، چاپ دوم، قم، موسسه السیطین العالمیه، ۱۴۲۵ قمری.
- ۱۹- ناصری، فرج الله، امارات در حقوق مدنی ایران، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۴۴.
- ۲۰- قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸.
- ۲۱- قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۹۲.
- ۲۲- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- ۲۳- قانون مدنی، مصوب ۱۳۶۱.